

سنخ‌شناسی انگیزش دینی بر پایه آیات و روایات

حسین شریفی^۱

محمد صادق شجاعی^۲

چکیده

سنخ‌شناسی انگیزش دینی می‌تواند به شناسایی مشابهت‌ها، الگومندسازی آن و مشخص نمودن رابطه بین الگوها در میان گستره‌ای از تنوع‌ها بر اساس معیاری یکسان و پذیرفته‌شده بینجامد. مسئله اصلی تحقیق این است که در منابع اصیل اسلامی چون قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام چه سنخ‌هایی از دین‌داران وجود دارند، با چه انگیزه‌هایی به دین روی می‌آورند، و هر سنخ دارای چه نشانه‌هایی هستند؟ سنخ‌بندی دین‌داران در حوزه انگیزش، اغلب حول محور نظریه جهت‌گیری درونی و بیرونی آلپورت مطرح می‌شود. این روان‌شناس با معرفی دو نوع انگیزش دینی درون‌زا و برون‌زا، منشأ پذیرش دین در افراد با انگیزش دینی درون‌زا را نیاز اساسی آنها به اعتقادات مذهبی و پیروی از الگوی رفتاری و اعتقادی دینی برای تکامل در زندگی فردی و اجتماعی می‌داند؛ در صورتی که افراد با انگیزش برون‌زا دین را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود تلقی می‌کنند. با توجه به نوع و ماهیت پژوهش (متن‌محور و مبتنی بر گزاره‌های دینی) روش به کار رفته در آن، از نوع روش‌های تحلیل محتواست که برای فهم متون مقدس استفاده می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سنخ‌های انگیزش دینی شامل دین‌داری دنیاگرا، دین‌داری ترس‌محور، دین‌داری پاداش‌محور، دین‌داری شکر‌محور، دین‌داری حیا‌محور و دین‌داری محبت‌محور است. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که شناخت، زیرساخت سنخ‌ها را تشکیل می‌دهد؛ یعنی ماهیت و میزان شناخت افراد از خداوند است که آنها را در سنخ‌های متفاوت از جهت اهمیت، ارزش و ثبات قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سنخ‌شناسی، انگیزش دینی، دین‌داری، آموزه‌های دینی، روان‌شناسی دینی و مذهب.

۱. پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم hossein.sharifi۳۳۵@gmail.com

۲. استادیار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (نویسنده مسئول) s_shojaei@yahoo.com

بیان مسئله

در طول تاریخ، دین^۱ و دین‌داری^۲ از ابعاد مهم زندگی بشر بوده و همواره تأثیرات عمیق، آشکار و پنهانی بر اندیشه و باورها، احساسات و عواطف و رفتارها و تعاملات وی داشته است. به همین دلیل، دانش روان‌شناسی هیچ‌گاه نتوانسته است در برابر این بعد مهم و تأثیرگذار روان انسان بی تفاوت بماند و همواره به دنبال این بوده است تا با استفاده از دسته‌بندی افراد بر اساس ویژگی‌های مشترک آنها جوابی برای این پرسش کهن بیابد که چه تفاوتی بین پارسایی راستین و شکل‌های دروغین یا فاسد پارسایی وجود دارد (وولف، ۱۳۸۶: ص ۳۳۵).

سابقه تقسیم مردم به سنخ‌های ساده دست‌کم به زمان بقراط می‌رسد (همان: ص ۷۷۵). اما اولین کسی که در زمینه سنخ‌بندی دینی، به صورت موردپژوهی‌های فردی از دیدگاه روان‌کاوانه به تحقیق پرداخت، هارالد شیلدرپ^۳ و برادرش کریستین^۴ بود. این دو پژوهشگر نروژی بر پایه مدارک تاریخی در تاریخ و جامعه‌شناسی دینی و بسط و تعدیل نظریه روان‌کاوی فروید سه سنخ متفاوت دین‌داری را استخراج و طبقه‌بندی کردند (همان: ص ۴۵۰). پس از این دو برادر، نظریه‌پردازان بسیاری در این زمینه به مطالعه و تحقیق پرداختند؛ اما از میان آنها گوردن آلپورت توانست با استفاده از تجربیات اندیشمندان گذشته مهم‌ترین نظریه انگیزش دینی را به نام خود ثبت کند (آلپورت، ۵، ۱۹۵۰: ص ۱۷۰).

با مراجعه به منابع اسلامی نیز می‌توان یافت که سنخ‌بندی یکی از شیوه‌های رایج شریعت اسلام در تقسیم اصناف مختلف است. برای مثال، در آیات ابتدایی سوره بقره انسان‌ها بر اساس رابطه‌ای که با دین دارند، به سه سنخ مؤمنان، کافران و منافقان تقسیم شده‌اند (بقره: ۳-۱۵). سنخ‌بندی در روایات شیوع بیشتری دارد؛ سراسر منابع دینی پر است از احادیثی که با معیارهای گوناگون به دسته‌بندی پرداخته‌اند. برای مثال، سخنان امام علی علیه السلام در خصوص انواع عبادت، با جهت‌گیری دینی آلپورت قابل تطبیق است. آن حضرت عبادت را به سه سنخ تقسیم می‌کند: عبادت ناشی از ترس، عبادت ناشی از کسب، و عبادت ناشی از میل به سپاس (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۳۷). بر اساس سخنان امام، دو گروه اول اعمال عبادی را ابزاری برای رسیدن به اهداف دیگر خود می‌دانند. هر دوی این روی‌آوردها، نوعی دین‌داری بیرونی است؛ زیرا با اهدافی فایده‌نگرانه و ابزاری به دین روی می‌آورند. اما روی‌آورد آزادگان به سمت خداوند، تقدس و سپاس از اوست. کنش‌وری دینی این افراد متأثر از ایمان درون‌زای آنهاست.

۱ . Religion.

۲ . Religiosity.

۳ . Harald, Sylstrup.

۴ . Kristen, Sylstrup.

۵ . Gordon Willard Allport (۱۸۹۷-۱۹۶۷).

از سوی دیگر، خاستگاه تاریخی مطالعات سنخ‌شناسی انگیزش دینی به این موضوع برمی‌گردد که دین‌داری به‌عنوان یک نیاز در ساختار روانی انسان قرار دارد. در واقع، یکی از مهم‌ترین نیازهای اولیه انسان که در ساختار روانی او وجود دارد، نیاز به پرستش و ارتباط با خداوند است (فاطر: ۱۵).^۱ برخی روان‌شناسان نیز در فهرست نیازهای انسان، نیاز ارتباط با خدا را مطرح کرده‌اند (شجاعی، ۱۳۹۱: ص ۱۲۵). این نیاز می‌تواند به‌عنوان یک عامل انگیزشی قوی در جهت‌دهی به رفتارهای انسان نقش داشته باشد. لذا مراد ما از اصطلاح انگیزش دینی نیاز انسان به ارتباط با خداوند است که عامل نظم‌دهی رفتارها به‌صورت عام و رفتارهای دینی به‌صورت خاص است.

اندیشمندان مسلمان در سراسر آثار خود و در ضمن مباحث فلسفی، کلامی، اخلاقی و گاه تفسیری، اشاراتی به بعضی از موضوعات انگیزش و عوامل مؤثر بر رفتار نموده‌اند. آنها منشأ رفتار و به تبع رفتارهای دینی را متفاوت ذکر کرده‌اند؛ برخی منشأ برون‌فردی، برخی منشأ درون‌فردی و برخی نیز نقش عوامل درون‌فردی و محیطی هر دو را پذیرفته‌اند. جدید بودن موضوع انگیزش، سبب می‌شود که نتوان برای جستجو و ارائه تاریخچه آن در منابع اسلامی از مفاهیمی چون نیاز، سائق، غریزه، تقویت و مشوق استفاده کرد. همچنین در این منابع رأی و نظر ممتازی درباره انگیزش در دست نیست که بر مبنای آن بتوان رفتار را تبیین کرد (همان: ص ۹۵).

با توجه به مطالب گفته‌شده، ضرورت تحقیق و پژوهش در این زمینه اهمیت دوچندان می‌یابد. این پژوهش در همین راستا با رویکردی درون‌دینی به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که سنخ‌های انگیزش دینی بر پایه‌ی آیات و روایات کدام‌اند؟

روش به‌کاررفته در این پژوهش کیفی، از نوع تحلیل محتوای متون دینی است. روش تحلیل محتوا^۲ در اصل برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن به کار گرفته می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۷۷: ص ۱۳۲). روش تحلیل محتوای متون دینی روشی است که برای استخراج و استنباط آموزه‌های دینی از منابع اسلامی (قرآن، منابع روایی) استفاده می‌شود. متناسب با هدف پژوهش، این روش برای فهم و استنباط آموزه‌های روان‌شناختی از متون دینی نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد (آذربایجانی، شجاعی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۵). همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از منابع قرآن و حدیث، از روش‌های تلخیص و مقوله‌بندی استفاده خواهد شد. در این تحقیق ابتدا گزاره‌های دینی مرتبط با موضوع را در روایات و آیات قرآن استخراج کرده و سپس با مراجعه به تفاسیر و کتاب‌ها و مقالاتی که به شرح و تبیین این آیات و روایات پرداخته‌اند، به جمع‌بندی نظریات اندیشمندان برای به دست آوردن یک تقسیم‌بندی جدید پرداخته‌ایم.

۱. یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر: ۱۵).

۲. Content analysis.

گونه‌های انگیزش دینی در آیات و روایات

علاقه اصلی سنخ‌شناسی روان‌شناختی این است که در حوزه خاصی از ویژگی‌های روانی بتواند گروه‌هایی را شناسایی کند که از نظر خصوصیات اجتماعی، رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، همسانی‌هایی درون آنها موجود باشد. قدرت تبیین سنخ‌شناسی به این بسته است که تا چه حد می‌تواند مشابهت‌ها و اختلافات اعضای هر مقوله را به حداکثر برساند (چاوشیان، ۱۳۸۱: ص ۷).

اندیشمندان اسلامی در رشته‌های مختلف اسلامی به‌صورت غیرمستقیم به موضوع انگیزش دینی پرداخته‌اند؛ چرا که انگیزش در حوزه فقه، شرط صحت و قبولی اعمال به حساب می‌آید. در اخلاق، انگیزش اساس ارزش کارهای اخلاقی است. در کلام و فلسفه نیز از موجد انسان و رفتارهای او بحث می‌شود. به اعتقاد فلاسفه و متکلمین، خداست که هم انسان و هم رفتار او را ایجاد می‌کند، و اگر گاهی رفتار به فرد نسبت داده می‌شود، این استناد مجازی است (بشیری، ۱۳۹۳: ص ۴۰).

برخی از این مطالعات، معطوف به کارهای تجربی در حوزه دین‌اند و برخی فقط به توصیف گونه‌های مختلف دین‌داری پرداخته‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان مطالعات صورت‌گرفته در زمینه سنخ‌شناسی انگیزش دینی را به‌صورت جدول زیر نشان داد:

جدول شماره ۱: مطالعات سنخ‌شناسی انگیزش دینی

رویکرد	نوع نظریه	اشخاص	تقسیم‌بندی
مطالعات سنخ‌شناسی انگیزش دینی در تفکرات اندیشمندان مسلمان	نظریه‌های ضمنی	غزالی (۱۳۸۱)	چهار مرتبه دین‌داری: ۱. زبانی؛ ۲. اعتقادی؛ ۳. شهودی؛ ۴. وحدت
		علامه مجلسی (۱۴۰۴)	هفت مرتبه دین‌داری: ۱. مرتبه نرس؛ ۲. مرتبه شوق؛ ۳. مرتبه شکر؛ ۴. مرتبه حیا؛ ۵. مرتبه قرب؛ ۶. مرتبه اهلیت؛ ۷. مرتبه حب.
		شیخ انصاری (۱۳۷۶)	شش مرتبه دین‌داری: ۱. مرتبه اهلیت؛ ۲. مرتبه شکر؛ ۳. مرتبه جذب منفعت؛ ۴. مرتبه رهایی از محرومیت؛ ۵. مرتبه دستیابی به نعمت؛ ۶. مرتبه کسب بهشت.
		ملاصدرا	سه مرتبه دین‌داری: ۱. مرتبه عوام؛ ۲. مرتبه خواص؛ ۳. مرتبه خواص الخواص.
نظری	نظریه‌های انسجام‌یافته	علامه طباطبایی (۱۳۸۰)	هشت مرتبه دین‌داری: ۱. مرتبه اسلام ظاهری؛ ۲. مرتبه ایمان اجمالی؛ ۳. مرتبه انقیاد قلبی؛ ۴. مرتبه اعتقاد تفصیلی؛ ۵. مرتبه تسلیم؛ ۶. مرتبه عبودیت؛ ۷. مرتبه موهبت؛ ۸. مرتبه یقین.
		شریعتی	۱. «دین‌داران دنیاگرا» و «دین‌داران آخرت‌گرا»؛ ۲. «دین‌داران واقع‌گرا» و «دین‌اصیل» و «دین تحریف‌شده».
		مجتهد شبستری (۱۳۷۶)	دین‌داری بر اساس ابعاد دین (اعمال و شعائر، ایده‌ها و عقاید و تجربه دینی).
		محمدی (۱۳۷۵)	الف) دین معنوی در برابر دین ظاهری؛ ب) دین شخصی در برابر دین سیاسی؛ پ) دین متجدد در برابر دین سنتی؛ ت) دین منحرف و التقاطی در برابر دین خالص؛ ج) دین آرمان‌گرا در برابر دین محافظه‌کار؛ ح) دین توده‌پسند در برابر دین نخبه‌پسند.

رویکرد	نوع نظریه	اشخاص	تقسیم‌بندی
جامعه‌شناختی	شیوه استقرایی با روش کمی	سروش (۱۳۷۲)	۱. دین‌داری عالمانه و دین‌داری عامیانه؛ ۲. دین‌داری مصلحت‌اندیش، دین‌داری معرفت‌اندیش، دین‌داری تجربت‌اندیش.
		اسدی (۱۳۹۰)	دین‌داری مناسکی و شرعتمدارانه.
		فراستخواه (۱۳۹۵)	سنتی، نه به طور خالص سنتی و نه یکسره مدرن، مدرن
		غلامی‌زاده (۱۳۸۵)	۱. مؤمنین بی‌عمل؛ ۲. هم‌نواهای فصلی یا سلیقه‌ای، ۳. کسانی که دین را به مثابه اخلاق می‌پندارند و ۴. بیگانه با دین.
	شیوه قیاسی با روش کمی	آروین (۱۳۸۴)	دین‌داری شخصی و دین‌داری متکثر
		نیک‌پی (۱۳۸۲)	دین‌داری عامه؛ دین‌داری ابزار؛ دین‌داری ترکیبی نوین؛ دین‌داری الهیاتی، فقهی و شریعت‌مدارانه؛ دین‌داری سکولار؛ دین‌داری لایک.
		گنجی (۱۳۹۰)	غیررسمی، فقهی سیاسی، مناسکی، تمهدی - تعلق، کثرت‌گرا، ترکیبی، بی‌واسطه.
		هوشنگی (۱۳۸۶)	دینداری معیشتی، دینداری اقتداری، دینداری مردم‌گرا، دینداری معنویت‌گرا و دینداری شناخت‌گرا.
		توسلی (۱۳۸۵)	دین خصوصی و تکت‌گرایی دینی.
		حبیب‌زاده (۱۳۸۴)	دین‌داری باطنی، شریعتی و اجتماعی.
		میرسندسی (۱۳۸۳)	دین‌داری متعادل و دین‌داری نامتعادل
		آزاد ارمکی (۱۳۸۱)	بی‌شکلی دین‌ورزی
	آزمون نظریه‌ها	ذوالفقاری	آزمون مدل‌گونه‌شناسی شبرد و جان‌هیک در جامعه.
نظری	نظریه‌های انسجام‌یافته	نظریه برادران شیلدرپ	دین‌داری ناشی از احساس گناه و ترس، دین‌داری ناشی از شوق و میل، دین‌داری ناشی از خودشیفتگی.
		نظریه ادوارد اشپرانگر	سنخ نظری، سنخ اقتصادی، سنخ زیباشناختی، سنخ سیاسی و اجتماعی
		نظریه تنودور و همکاران	گروه مذهبی‌های مقلد و گروهی که دین برایشان هدف است.
		نظریه آلپورت	جهت‌گیری درونی، جهت‌گیری بیرونی.
		نظریه اریک فروم	انسان‌گرایانه و اقتدارگرایانه.
		نظریه دیویدسون	الف. مؤمنان راستین؛ ب. میانه‌روها؛ ج. بنیادگراها؛ د. اومانیت‌ها.
		نظریه کرکپاتریک و هود	سنخ درونی، سنخ «اجتماعی - برونی» و سنخ «شخصی برونی».
		نظریه اسپیلکا و آلن	جهت‌گیری ملتزم، جهت‌گیری متقابل و فاقی.
		نظریه دانیل بستون	دین به‌عنوان وسیله، دین به‌عنوان هدف، و دین در مقام جستجو.
		مک کوایر ^۱	دین‌داری رسمی و دین‌داری غیررسمی.
جامعه‌شناختی	نظریه‌های انسجام‌یافته	ماکس وبر ^۲	دین‌داری دهقانان، دین‌داری طبقات جنگجو، دین‌داری دیوان‌سالاران، دین‌داری بازرگانان، دین‌داری روشنفکران.

۱. McGuire, M.
 ۲. Max Weber.

یافته‌های پژوهش نشان داد که در آیات و روایات، انگیزش دینی بر مبنای یکی از معیارهای زیر توصیف و دسته‌بندی شده است.

اولین معیار برای طبقه‌بندی انگیزش دینی اشخاص در آیات و روایات، میزان اخلاص آنها توصیف شده است. آیات قرآن در این زمینه دو نوع انگیزه از هم متمایز کرده است؛ در دسته اول آیاتی قرار می‌گیرند که از انگیزه پاک و مخلصانه بندگان واقعی خبر می‌دهد: (بقره: ۲۰۷؛ رعد: ۲۲؛ روم: ۳۸؛ روم: ۳۹؛ انعام: ۵۲؛ انسان: ۹؛ کهف: ۲۸؛ نساء: ۱۱۴). در تمامی این آیات سخن از انگیزه‌های الهی به میان آمده است، و رفتارهایی را یادآور می‌شود که جهت خوشنودی خداوند انجام می‌شوند.

در دسته دیگر به انگیزه‌های غیرخدایی و مقاصد ناپاک و آلوده اشاره کرده است: (انفال: ۴۷؛ نساء: ۳۸؛ بقره: ۲۶۴؛ انعام: ۷۰؛ اسراء: ۱۸). این گونه رفتارها که با انگیزه ریا و خودنمایی انجام می‌شود، مورد نهی قرآن هستند.

دومین ملاک برای سنخ‌شناسی انگیزش دینی افراد ایمان است. تعابیر مختلفی در این زمینه به کار رفته است. الف) در برخی تفاسیر ذیل آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ﴾ (انعام: ۹۸)، اشخاص بر اساس ایمانشان به دو سنخ دارای ایمان پایدار و ایمان ناپایدار تقسیم شده‌اند. ایمان پایدار ایمانی است که در قلب ثابت شده باشد و هرگز از قلب جدا نشود و خود دارای سه مرتبه علم الیقین (ایمان عوام)، عین الیقین (ایمان خواص) و حق الیقین (خاص الخاص) است (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۷۱).

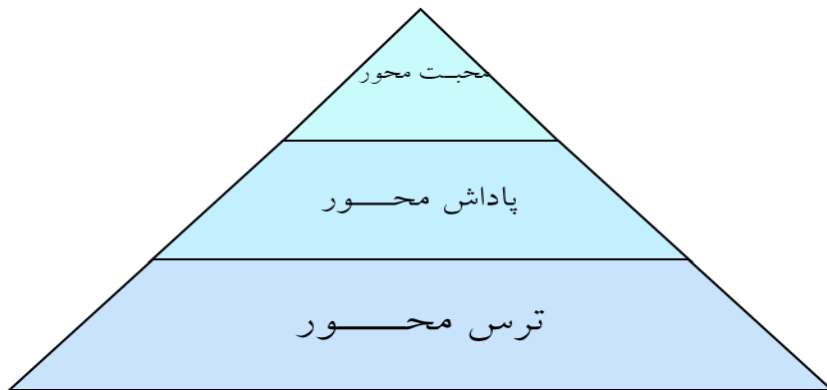
ب) در مجموعه دیگری از آیات و روایات، از ایمان ثابت، تقلیدی و عاریه‌ای سخن به میان آمده و انگیزش دینی افراد بر اساس این سه نوع ایمان توصیف شده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۰۱). ابن ابی الحدید، پس از ذکر روایت می‌گوید: به حساب مراتب، آن ایمانی ثابت است که از روی دلیل و برهان قطعی باشد که دیگر قابل تزلزل نیست و آن ایمانی عاریه است، که در اثر استدلال‌های خطابی و جدلی برای انسان حاصل شود و پایه‌اش به محکمی ایمانی که از روی دلیل و برهان قطعی باشد، نیست و سوم ایمان تقلیدی است که مردم آن را از پدر و مادر و جامعه می‌گیرند؛ بدون اینکه از استدلال برهانی یا حتی استدلال جدلی و خطابی برخوردار باشد.

سومین معیار، سنخ‌بندی بر اساس نوع عبادت است. روایات وارده در این زمینه با تعابیر گوناگون اما مضامین یکسان و نزدیک به هم، انگیزش دینی را مطرح می‌کنند. در برخی روایات به سه گونه عبادت و با عبارات عبادت بردگان (عِبَادَةُ الْعَبِيد)، عبادت مزدبگیران (عِبَادَةُ الْأَجْرَاء) و عبادت آزادگان (عِبَادَةُ الْأَحْرَار) اشاره شده است (کلینی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۸۴). در روایتی دیگر، از این سه سنخ عبادت، به عبادت طمعکاران

۱. مِنَ الْإِيمَانِ مَا يَكُونُ ثَابِتًا مُّسْتَقَرًّا فِي الْقُلُوبِ وَ مِنْهُ مَا يَكُونُ عَوَارِي فِي الْقُلُوبِ وَ مِنْهُ مَا يَكُونُ عَوَارِي بَيْنَ الْقُلُوبِ وَ الصُّدُورِ.

(عباده الحرصاء)، بردگان (عباده العبيد) و بزرگواران (عباده الكرام) یاد و بر انگیزه هریک نیز تصریح شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۶۲).

باید توجه داشت که کدام از سنخ‌های سه‌گانه (خوف، طمع و حب) حالات زیستی و فیزیولوژیکی خاصی را به همراه دارند. در برخی روایات به تفاوت حالات جسمانی و فیزیولوژیکی هر سنخ اشاره و برای نشان دادن این تفاوت از «افعل التقضیل» استفاده شده است. این امر می‌تواند میزانی برای نشان دادن سلسله‌مراتب این سنخ‌ها باشد؛ زیرا با تغییر انگیزه‌های عبادت، حالات جسمانی اشخاص نیز تغییر کرده است. بنابراین، رتبه کسانی که انگیزه‌شان در انجام رفتارهای دینی ترس از عذاب است، پایین‌تر از رتبه کسانی است که انگیزه‌شان از انجام همین رفتارها شوق به بهشت است و همچنین رتبه کسانی که انگیزه‌شان از انجام رفتارهای دینی شوق به بهشت است، پایین‌تر از رتبه اشخاصی است که همین رفتارها را با انگیزه محبت به خداوند انجام می‌دهند. لذا انگیزه اشخاص در یک ترتیب سلسله‌مراتبی بر اساس روایت به‌صورت شکل ذیل است.



شکل شماره ۱: مراتب بندگان بر اساس حالات جسمانی و فیزیولوژیک

گروهی از بندگان نیز هستند که عامل انگیزشی اصلی در انجام رفتارها و اعمال عبادی‌شان محبت است. در روایات بسیاری با عباراتی از قبیل «حب فی الله»، «حب المؤمن»، «حب احباء الله» و «المتحابین فی الله»، به دوست داشتن مؤمنان تشویق شده است. عامل انگیزش دینی رفتارها در این سنخ، محبت خداوند است که سایر رفتارها را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد (دیلمی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۱۶۱).

انگیزه‌های محبت در بین افراد متفاوت است و همین امر موجب تفاوت درجات محبین می‌گردد (نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۳۳). برخی از اندیشمندان این انگیزه‌ها را به چهار قسم: الف. لذت مادی؛ ب. خیر؛ ج. منفعت؛ ج. انگیزه‌های الهی تقسیم کرده‌اند و محبت بین انسان و خداوند را برترین قسم می‌شمارند و از آن به محبت الهیه تعبیر کرده‌اند (مسکویه، ۱۴۲۶ق: ص ۵۶۲).

از دیگر معیارهای سنخ‌بندی انگیزش دینی افراد، شکرگذاری از نعمت‌های الهی است. برخی از آیات و روایات، شکر را عاملی انگیزشی جهت رفتارهای دینی می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۸۰). در پاره‌ای از روایات نیز از جمله نشانه‌های اولیاء الله، مداومت داشتن در شکر و سپاسگذاری از خداوند ذکر شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۲۳۵) و اعمال عبادی را وسیله‌ای جهت شکر از نعمت‌های خداوند می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۴ق: ص ۷۷).

دانشمندان مسلمان برای شکر سه درجه و مقام قائل شده‌اند: اولین درجه، شکر در اشیای محبوب و نعمت‌هایی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده است. دومین درجه، شکر در امور ناگوار و ناخوشایند است که آن را مقام رضا نام‌گذاری می‌کند و سومین درجه، آن است که بنده تنها منعم را شهود کند و به علت غرق شدن در مشاهده منعم، از توجه به نعمت بازماند. این درجه خود دارای مراتبی است.

یکی دیگر از معیارهای سنخ‌بندی انگیزش دینی که در روایات به آن اشاره شده است، ویژگی حیا است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۶۸). در روایتی رسول الله ﷺ تصور نظارت خداوند را باعث ایجاد صفت حیا و عاملی جهت ترک معصیت می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۹، ص ۲۷۹). امام سجاده علیه السلام نیز تمامی اعمال و رفتارهایشان، حتی ترس و خشوع قلب را منبث از حیا در مقابل خداوند می‌داند (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶: ص ۸۰). در روایتی دیگر، حیا از عرضه شدن اعمال بر خداوند، به‌عنوان عامل انگیزشی جهت انجام اعمال دینی استفاده شده است.

امام صادق علیه السلام اقسام و مراتب حیا را به پنج دسته تقسیم می‌کنند و افراد را بر اساس نوع حیائی که دارند، در مرتبه‌های مختلف قرار می‌دهند: اولین قسم حیا، حیا ازگناه است. دومین قسم حیا، تقصیر است. سومین قسم حیا، کرامت است. چهارمین قسم حیا، محبت است. آخرین و پنجمین قسم حیا، حیا هیبت است (شهید ثانی، ۱۳۷۷: ص ۵۷۲).

در برخی از روایات نیز شایسته بودن پروردگار برای پرستش، انگیزش دینی برای انجام رفتارهای عبادی معرفی شده است. در این روایات معصومین علیهم السلام پس از معرفی و تبیین انگیزه‌های دو گروه ترس‌محور و پاداش‌محور به جای استفاده از واژه حب که در روایات گذشته بیان شد، از کلمه اهلیت (اهلا له) استفاده کرده‌اند و انگیزه عبادت خود را همین قسم می‌دانند.^۱

این درجه بالاترین درجه درجات مقربان است، و کسی می‌تواند چنین ادعایی بکند که یقین داشته باشد اگر نام بهشت و دوزخی هم نشنیده بود، باز این چنین که اکنون عبادت می‌کند، عبادت می‌کرد؛ بلکه حتی اگر العیاذ بالله خداوند عبادت‌کننده را به جهنم می‌برد، چون معبود را سزاوار عبادت می‌داند، عبادتش را ترک نمی‌کرد

۱. اِنِّی اُكْرَهُ اَنْ اُعْبَدَ اللّٰهَ وَ لَا غَرَضَ لِّیْ اِلَّا تَوَابُهُ، فَاَكُوْنَ كَالْعَبْدِ الطَّمَعِ الْمُطْمَعِ؛ اِنْ طَمَعَ عَمِلَ وَاِلَّا لَمْ یَعْمَلْ، وَ اُكْرَهُ اَنْ (لَا) اُعْبُدُهُ اِلَّا لِخَوْفِ عِقَابِهِ، فَاَكُوْنَ كَالْعَبْدِ السُّوءِ؛ اِنْ لَمْ یَخَفْ لَمْ یَعْمَلْ. قِیلَ: فَلَمْ تَعْبُدْهُ؟ قَالَ: لِمَا هُوَ اَهْلُهُ بِاِیَادِهِ عَلٰی وَ اِنْعَامِهِ.

(مجلسی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۶۳). مطابق این مطلب، کلام امیر المومنین علیه السلام است که فرمودند: «مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا شَوْقًا إِلَى جَنَّتِكَ وَ لَكِنْ رَأَيْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (ابی جمهور، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۴۰۴).

عده‌ای دیگر از مردم هستند که رفتارهای دینی را با انگیزه امور دنیوی انجام می‌دهند و دین را برای دنیایشان می‌خواهند و در آزمایش‌ها روی می‌گردانند^۱ (حج: ۱۱؛ شوری: ۳۸)^۲؛ این افراد کسانی هستند که خدا را تنها با زبان می‌پرستند؛ اما ایمان قلبی‌شان بسیار سطحی و ضعیف است. این گونه دین‌داری، فاقد ارزش است و در حقیقت، دنیاخواهی است، نه خداپرستی (طباطبایی، ۱۳۹۲ق: ص ۴۵۵). این روش عادت بت‌پرستان نیز هست؛ آنها نیز بت‌ها را می‌پرستند تا به خیری در امور دنیوی برسند و یا به شفاعت آنها از شرور دنیایی نجات یابند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۴۹۴). در روایتی از امام حسین علیه السلام مضمون این مطلب تکرار شده است^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ص ۳۸۳).

در آیات قرآن، نوع دیگری از عبادت مطرح شده که با آنچه تاکنون گفته شد، متفاوت است. این نوع عبادت خالی از هرگونه علم و معرفت و صرفاً به‌خاطر عادت و تقلید از پیشینیان است^۴ (انبیاء: ۵۳). در روایات نیز به همین سنخ اشاره شده است؛ امام صادق علیه السلام برای آزمایش و شناخت افراد توصیه می‌کند که به نماز و روزه و سایر اعمال ظاهری آنها نگاه نکنید؛ چرا که این اعمال، موضع عادت هستند و ترک عادت برای انسان ناپسند است؛ حتی با وجود عدم اعتقاد به همان عادت^۵ (کلینی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۰۴). آنچه از این روایت فهمیده می‌شود این است که همیشه رفتارهای دینی با انگیزه الهی صورت نمی‌گیرد؛ زیرا نماز و روزه اعمالی ظاهری هستند که انسان ناچار آنها را انجام خواهد داد؛ به‌خصوص اشخاصی که مشهور به صلاح و پاکی هستند، تا اینکه به این کارها عادت می‌کنند و غالباً غرضی در ترک آنها ندارند.

جدول شماره ۲: اقسام سنخ‌ها، زیر مجموعه‌ها و ویژگی‌ها

اقسام سنخ‌ها	زیر مجموعه‌ها	ویژگی‌ها
۱	محبت محور	این قسم از محبت هیچ‌گونه نقصان و بدی در آن راه ندارد و دائمی و مختص اولیاء الله دارای مراتبی است: (۱) احسان و تفضل؛ (۲) شناخت صفات حسن؛ (۳) محبت خاطفه.
	خیر و نیکی	مراد از خیر و نیکی یعنی انسان به‌واسطه خیر بودن کسی او را دوست دارد؛ هرچند به او نفعی نرسد.

۱. وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ.

۲. وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرَّحْنَا بِهَا وَإِنْ تَصِيبُهُمُ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ.

۳. إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَالَّذِينَ لَعَنُوا عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحْوَطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ.

۴. أَذْ قَالَ لِأَيِّهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ.

۵. لَا تَغْتَرَوْا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ.

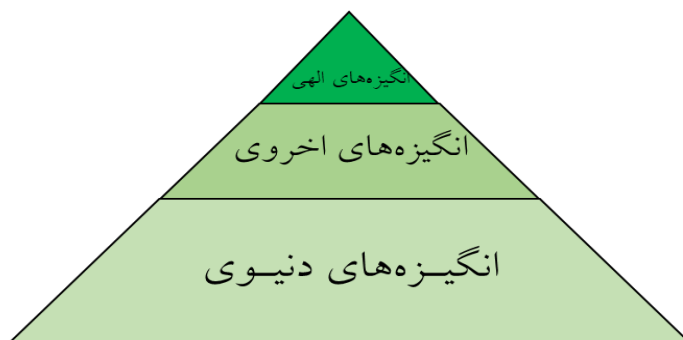


اقسام سنخ‌ها	زیر مجموعه‌ها	ویژگی‌ها
	منفعت	مراد از منفعت یعنی اینکه شخصی را به خاطر منفعتی که به او رسانده، دوست دارد.
	لذت	مراد از لذت، لذت‌های دنیایی است که به محض ارضا شدن از بین می‌رود، نه لذت‌های معنوی که پایدارند.
	حیا از گناه	حیا مانع می‌شود که انسان مرتکب کیایر شود و این پایین‌ترین درجه حیا و مختص به عوام است.
۲ حیا محور	حیای تقصیر	در این درجه انسان از انجام اعمالی که مشتمل بر تقصیر باشد شرم‌منده می‌شود؛ هرچند خلاف اولی باشد و این مرتبه، بالاتر از درجه قبل است.
	حیای کرامت	یعنی عزت و بزرگواری حق تعالی مانع است که شخص مرتکب خلاف رضای او شود. منشأ حیا در این مرتبه رجا به پروردگار است و این مرتبه، از بالاترین درجات سنخ انگیزشی حیاست.
	حیای محبت	یعنی محبت الهی آن چنان دل و جان شخص را منور کرده که مجال مخالفتی برای او در هیچ عضوی از اعضای وی نمی‌ماند.
	حیای هیبت	هیبت و سطوت الهی عاملی است که مانع از ارتکاب خلاف رضای خداوند می‌شود. منشأ حیا در این مرتبه خوف از پروردگار است و این مرتبه نیز جزء بالاترین درجات سنخ انگیزشی حیاست.
۳ شکر محور	شکر منعم	بنده به علت غرق شدن در مشاهده منعم از توجه به نعمت بازمی‌ماند: ۱. شهود عبودیتی؛ ۲. شهود محبتی؛ ۳. شهود تفریدی.
	شکر در اشیای محبوب	یعنی بنده، خداوند را بر نعمت‌ها و امکاناتی که در اختیار او قرار داده است، شکر کند.
	شکر در امور ناخوشایند (مقام رضا)	افراد این سنخ، حالات خوشی و ناخوشی نزدشان یکسان است؛ برای افراد این سنخ نشانه‌هایی ذکر شده که از جمله آنها خاموشی از شکایت کردن، رعایت ادب و قدم نهادن در راه علم است.

الگوی سنخ‌بندی انگیزش دینی

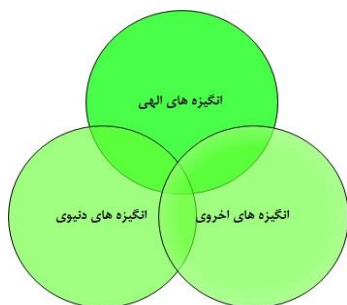
الگوی پیشنهادی اول برای سنخ‌بندی انگیزش دینی:

در این پژوهش، از مجموع آیات و روایات، الگوی پیشنهادی سنخ‌بندی انگیزش دینی را می‌توان به دو صورت ارائه کرد. در اولین الگو می‌توان از عامل انگیزشی که سبب به وجود آمدن رفتار دینی یا ترک رفتارهایی که منهی عنه دین هستند استفاده کرد و آنها را در سه سنخ انگیزه‌های دنیوی، انگیزه‌های اخروی و انگیزه‌های الهی قرار داد. بر اساس آیات و روایات، اشخاص با انگیزه‌های دنیوی دارای بیشترین فراوانی و افرادی که دارای انگیزه‌های الهی هستند، دارای کمترین فراوانی‌اند. همچنین آنچه از فحوای منابع اسلامی فهمیده می‌شود این است که انگیزه‌های دنیوی دارای کمترین ارزش و در سطح پایین انگیزش دینی قرار می‌گیرند و انگیزه‌های الهی دارای بیشترین ارزش و در بالاترین سطح انگیزش دینی قرار می‌گیرند.



شکل ۲: میزان فراوانی و مراتب بندگان بر اساس انگیزه

یا می‌توان از شکل ذیل برای سنخ‌بندی این الگو استفاده کرد:



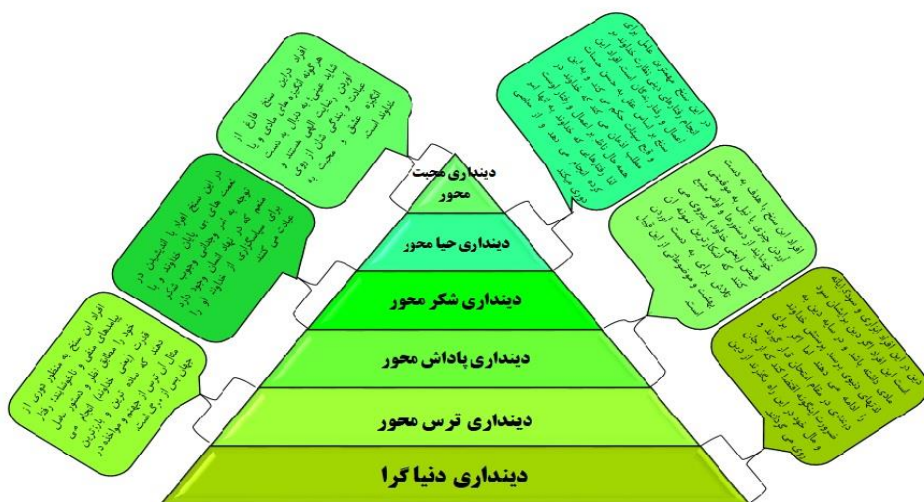
شکل ۳: تداخل انگیزه‌ها و تنیده شدن آنها درهم (این سه

انگیزه ممکن است با یکدیگر تداخل داشته باشند؛ مثلاً شخصی که برای رضای خداوند و کسب نعمات الهی در جهان آخرت، روزه می‌گیرد هر سه

انگیزه را قصد کرده است. در اینجا روزه رفتاری است که هر سه انگیزه بر آن بار می‌شود؛ موجب سلامت جسم (انگیزه دنیایی)، کسب ثواب آخرت (انگیزه اخروی) و رضایت الهی (انگیزه‌های الهی) می‌گردد. همچنین ممکن است تنها انگیزه فرد از روزه گرفتن رضای الهی باشد و توجهی به دیگر انگیزه‌ها نداشته باشد؛ هر چند به تبع، آنها را نیز کسب خواهد نمود).

الگوی پیشنهادی دوم برای سنخ‌بندی انگیزش دینی:

دومین الگوی سنخ‌بندی، انگیزش دینی این است که این انگیزه‌ها را در یک هرم و به صورت سلسله‌مراتبی از پایین‌ترین درجه تا بالاترین درجه آن قرار داد. الگوی پیشین با نگاهی کلی تمامی انگیزه‌ها را در سه سنخ قرار می‌دهد؛ اما با توجه به اینکه این سه سنخ کلی دارای مراتبی هستند و در هر مرتبه نیز درجاتی وجود دارد، می‌توان گفت که استفاده از الگوی دوم بهتر و رساتر باشد. بنابراین الگو، مراتب انگیزش دینی تفصیلی به ترتیب از پایین‌ترین درجه تا بالاترین درجه عبارت‌اند از: ۱. دین‌داری دنیاگرا؛ ۲. دین‌داری ترس‌محور؛ ۳. دین‌داری پاداش‌محور؛ ۴. دین‌داری شکر‌محور؛ ۵. دین‌داری حیا‌محور؛ ۶. دین‌داری محبت‌محور.



شکل ۴: مراتب انگیزش دینی

باید به این نکته اشاره شود که واجدین مراتب عالی، فاقد مراتب پایین‌تر نیستند؛ بلکه واجد آنها به علاوه مرتبه عالی‌ترند. برای مثال محبین و حیاپیشگان نیز از خدا می‌ترسند، به لطف و کرم او امیدوار، در برابر نعمت‌هایش شکرگزارند و قرب معنوی را نیز می‌خواهند؛ لیکن انگیزه عبادتشان فقط اینها نیست، بلکه چون از خدا شناخت عالی‌تری دارند، نوع رفتارهای دینی آنها در سطح بالاتری است.

همچنین کسی که در این هرم در حال صعود است، تدریجاً به جایی می‌رسد که خودش و قلبش را برای خدا خالص می‌کند؛ به‌طوری‌که تمام رفتار و افکارش را به خدا اختصاص می‌دهد و جز برای رضای خدا کاری را انجام نمی‌دهد، از غیر نمی‌هراسد و به غیر او اعتماد نمی‌کند، دوستی او برای خدا و دشمنی‌اش نیز برای خدا خواهد بود، که در روایات از آن تعبیر به «حب و بض لله» شده است و این عالی‌ترین مراتب انگیزش دینی است.

در تمامی سنخ‌های به‌دست‌آمده بر اساس روایات با توجه به درجاتی که برای هر سنخ بیان شد، می‌توان دو نوع گرایش اصلی را مشاهده کرد: خودمداری در برابر خدامداری. در نوع نخست، فرد به خداوند نیازمند است تا با کمک او نیاز خود را برطرف کند؛ و چون خدا به او کمک می‌کند، پس خداوند را دوست می‌دارد. خودمداری به دو نوع دنیایی و عقبایی تقسیم می‌شود. نوع دوم وضعیتی است که فرد در آن به خاطر خداوند با او ارتباط برقرار می‌کند؛ یعنی به خاطر بزرگی خداوند، ترسان و نگران است، به خود خدا نیاز دارد و از هیبت او حیا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر پایه یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که سنخ‌های انگیزش دینی دارای اقسام متفاوتی چون دین‌داری با انگیزه‌های دنیایی، دین‌داری ترس‌محور، دین‌داری پاداش‌محور، دین‌داری شکر‌محور، دین‌داری حیا‌محور و دین‌داری محبت‌محور است.

دین‌داری با انگیزه‌های دنیایی، ویژگی افرادی است که دین را در راه مقاصد خود به کار می‌گیرند و رفتارهای دینی را به انگیزه امور دنیوی انجام می‌دهند. دین‌داری این افراد سودگرایانه است. این افراد اگر دین برایشان سودی مادی داشت، پرستش خدا را ادامه می‌دهند؛ اما اگر ضرورت این‌گونه اقتضا کند که از جان و مال خود در راه دین بگذرند، از دین روی می‌گردانند.

این سنخ همسو با نظر علامه طباطبایی است. ایشان در مورد این سنخ می‌فرماید: این افراد کسانی هستند که خدا را تنها با زبان می‌پرستند تا به خیری در امور دنیوی برسند و یا از شرور دنیایی نجات یابند؛ اما ایمان قلبی‌شان بسیار سطحی و ضعیف است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۴۹۴). از میان تحقیقات خارجی صورت‌گرفته، این سنخ معادل پارسایی سنخ اقتصادی اشپرانگر است. به نظر او علایق سودگرایانه نیز که هر چیزی را از دید فایده آن برای صیانت نفس می‌نگرد، ممکن است مانع نگرش دینی اصیل گردد یا با آن ترکیب شود. در چنین حالی پرستش خداوند، ریشه در منافع اقتصادی دارد.

نظریه دیگری که موافق با این سنخ است، نظریه آلپورت است. آلپورت جهت‌گیری بیرونی را ویژگی کسانی می‌داند که مذهب را در راه مقاصد خود به کار می‌گیرند. کسانی که این جهت‌گیری را دارند، ممکن است دین را از جهات مختلف - ایجاد امنیت و آرامش، جامعه‌پذیری و انصراف ذهن، منزلت اجتماعی و توجیه خود - سودمند بشمرند (وولف، ۱۳۸۶: ص ۳۳۵).

در دین‌داری ترس‌محور فرد به‌منظور دوری از پیامدهای منفی، رفتارهای خود را مطابق دستورهای خداوند انجام می‌دهد. نتیجه ترس‌بازداری رفتار از آنچه خداوند منع کرده و مبادرت به آنچه وی خواسته است و علت این امر این است که انسان به طور طبیعی از زیان‌گریزان است؛ لذا اگر پیامدها و امور ناخوشایند را درک یا شناسایی کند، از آنها اجتناب خواهد کرد.

این سنخ مورد تأیید اشخاصی چون مجلسی و امام خمینی است. علامه مجلسی از ترس به‌عنوان عامل انگیزشی یاد می‌کند. او می‌گوید: گروهی اطاعت امر می‌کنند به‌خاطر ترس از درد آتش دوزخ و گروهی دیگر اطاعت امر را صرفاً به‌خاطر دوری از جهنم که سرای محرومیت است، انجام می‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۲۴۷). امام خمینی رحمته‌الله نیز همین مطلب را تأیید می‌کند و ترس عامه از عذاب را، یکی از اقسام خوف‌بندگان معرفی می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ص ۲۷۷). پسندیده نیز از ترس به‌عنوان یک عامل انگیزشی در رابطه انسان و خدا نام می‌برد که برای تبیین و توضیح رفتارهای دینی از ارزش بالایی برخوردار است (پسندیده،

۱۳۹۰: ص ۱۱۴). از میان محققین خارجی، شیلدروپ در نخستین سنخ دینی خود، از احساس ترس به عنوان بارزترین احساس که با اشتیاق به سلطه‌پذیری و کفاره همراه است، یاد می‌کند (وولف، ۱۳۸۶: ص ۴۵۱). کرکپاتریک و شیور و روات نیز در پژوهش‌های خود که روی افراد و رابطه آنها با خدا انجام دادند، از ترس به عنوان عاملی جهت برقراری ارتباط با خداوند نام می‌برند. آنها این سنخ افراد را تحت گروه افراد با دل‌بستگی نایمن-اجتنابی قرار می‌دهند و نوع رابطه آنها با خداوند را بسیار خشک، سطحی و ناپایدار می‌دانند (علیانسب، ۱۳۹۱: ص ۳۴).

منظور از دین‌داری پاداش محور این است که افراد با هدف به دست آوردن چیزی و یا رسیدن به موقعیت خوشایند یا پیامد مثبتی، از اوامر الهی پیروی کنند. نتیجه پاداش، فعال شدن رفتار است. شخص از طریق تطمیع و تشویق، آنچه را که خدا خواسته است، انجام می‌دهد و از آنچه خدا نهی کرده، اجتناب می‌کند. آشکارترین نمونه برای این سنخ، تلاش برای کسب بهشت و نعمت‌های آن در جهان پس از مرگ است. این سنخ موافق با نظریه شیخ انصاری (انصاری، ۱۳۷۶: ص ۴۴) و علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۴۹۴) است. آنها رسیدن به نعمت‌های بهشتی خداوند را، عاملی برای ایجاد انگیزه در انجام رفتارهای دینی می‌دانند. رودگر (۱۳۸۸: ص ۱۴۵) نیز بیان می‌کند که مخفی و غیرقابل محاسبه بودن پاداش‌های خداوند در قرآن، به عنوان یک اصل تقویت‌کننده انگیزه عمل می‌کند. می‌توان گفت عاملی که موجب روی‌آوری به رفتار در سنخ پاداش محور می‌شود، امید و رغبت در به دست آوردن وعده‌های داده‌شده از سوی خداوند است.

در دین‌داری شکر محور، فرد سبب بندگی و عبادت را شکرگذاری از نعمت‌هایی می‌داند که منعم بدون مستحق بودن انسان، آنها را به انسان ارزانی داشته است. در این سنخ، افراد با اندیشیدن در نعمت‌های بی‌پایان خداوند و با توجه به امر وجدانی وجوب شکر منعم، برای سپاسگزاری از خداوند، او را عبادت می‌کنند. برانگیزاننده بودن شکر در انجام رفتارهای دینی مورد تأیید شیخ انصاری (۱۳۷۶: ص ۴۴) و علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۲۴۷) است. علامه شبر نیز یکی از عوامل انگیزش دینی را عامل شکر می‌داند (شبر، ۱۳۷۴: ص ۳۷۲).

اندیشمندان اسلامی در تبیین رفتارهای برآمده از شکر، شناخت را مهم می‌دانند (فیض‌کاشانی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۱۷۸). عامل شکر در یک فرایند سه مرحله‌ای - شناخت، هیجان، رفتار - منتهی به ایجاد و انجام رفتار می‌شود؛ به این صورت که دریافت‌کننده نعمت پس از آگاهی از نعمت و دهنده آن، هیجان شادی به وی دست می‌دهد و این هیجان، او را به سمت انجام رفتارهایی که مورد رضایت منعم است، هدایت می‌کند. بر اساس منابع اسلامی کسی که شناختش نسبت به منعم در مرتبه بالایی باشد، نه تنها به امور خوشایند شکرگذار است، بلکه حتی بر امور ناخوشایند نیز شاکر است؛ زیرا همه چیز را از جانب خداوند متعال می‌داند.

مراد از دین‌داری حیا محور، دین‌داری است که در آن عامل انگیزشی، ویژگی حیاست. حیا می‌تواند



به عنوان یک عامل انگیزشی قوی در جهت دهی به رفتار مؤثر باشد (پسندیده، ۱۳۹۳: ص ۶۹). حیا رفتار و افکار انسان را بر اساس شرع و عرف تنظیم می کند. از دیدگاه روایات، عنصر محوری در حیا نظارت دیگران است^۱؛ بدین معنا که حضور یک ناظر محترم، حیا را در انسان برمی انگیزاند. بنابراین، حیا مبتنی بر احترام به خود^۲ است. در این سنخ نیز صرف وجود نظارت برای برانگیختن حیا کافی نیست؛ بلکه حیا زمانی برانگیخته می شود که نظارت موجود، از طرف شخص درک شود. در این سنخ، مهم ترین عامل برای انجام رفتارهای دینی نظارت خداوند بر اعمال و رفتارهای بندگان است.

این سنخ با نظریه علامه شبر همخوانی دارد. ایشان در تأیید این سنخ از بندگان می گوید: آنها گروهی هستند که انگیزه آنان در عبادات حیای خداست؛ چون می دانند که خدای تعالی بر اندرون وجود آنان آگاه است. به همین خاطر، از اینکه در مقابل خدا عصبان کنند، حیا دارند و به انجام عبادات از خدا مبادرت می کنند (شبر، ۱۳۷۴: ص ۴۵). شجاعی (۱۳۹۴: ص ۱۳۵) نیز این سنخ را می پذیرد و پس از تقسیم نمودن قلمروهای حیا به دو قسم درونی و بیرونی، حیا از خداوند را جزء قلمرو بیرونی می داند و بیان می کند که هرچند به لحاظ ارزشی حیا از خداوند در بالاترین مرتبه قرار دارد؛ اما به لحاظ تحولی، در ابتدا حیا از دیگران، سپس حیا از خود و در نهایت حیا از خداوند مطرح می شود.

دین داری محبت محورانه آن نوع دین داری معرفی می شود که فرد به دلیل علاقه به خداوند، از اوامر و نواهی خداوند پیروی می کند. در این سنخ، فرد نگاهی به پیامدهای عمل خود ندارد؛ بلکه به دنبال به دست آوردن رضایت موضوع محبت خود یعنی خداوند است. با توجه به آنچه از آیات و روایات فهمیده می شود، شاید بتوان گفت که رابطه حبی با خداوند بهترین و برترین نوع رابطه شمرده شده است.

غالب علمای اخلاق، محبت را به عنوان یک سنخ در رابطه بین انسان و خداوند مورد تأیید قرار داده اند. از این میان می توان به مسکویه (۱۴۲۶ق: ص ۳۶۴) و غزالی (۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۴۰) اشاره کرد. مسکویه قائل است که انسان ها در میزان محبت به خداوند متفاوت هستند. او برترین نوع محبت را محبت الهیه نام گذاری می کند که خود دارای درجاتی است. غزالی نیز در تأیید این سنخ می گوید: مقصود از خلقت انسان دستیابی به محبت خداست. وی لازمه محبت الهی را انجام رفتارهای دینی می داند و از آن به عنوان عامل انگیزشی یاد می کند. انصاری (۱۳۸۶: ص ۹۳) نیز عالی ترین نوع ارتباط با خداوند را از این قسم می داند. او بیان می دارد: اگر نوعی از محبت وجود دارد که می توان آن را خائفانه خواند و نوعی از محبت به خداوند هست که می توان آن را تاجرانه نامید، نوع سومی از محبت هم هست که می توانیم آن را محبت عاشقانه بنامیم. از میان روان شناسان خارجی نیز یکی از کسانی که بیشترین تحقیق را در این زمینه انجام داده، نیل دونالد والش است؛ از

۱. عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُطَّلِعٌ عَلَى فَاسْتَحْيِيَّتِي (مجلسی، ۱۴۰۳ق، صفحه ۳۲۶).

۲. Self – esteem.



نظر او نیاز متعالی و والای دوستی با خداست که ما را به پرستش خداوند وامی دارد (والش، ۱۳۸۴: ص ۶۸). مطابق روایات، به عنوان یک قاعده کلی، وقتی انسان به احسانی که در حق او شده، توجه پیدا کند، محبت به عامل احسان، در وجودش برانگیخته می شود.^۱ اما احسان به تنهایی برانگیزاننده نیست؛ بلکه توجه و درک احسان باعث انگیزش در رفتار می شود. بالبی نیز در چارچوب «نظریه دل بستگی»، به توضیح و تبیین این نکته می پردازد که چگونه طفل شیرخوار، از نظر عاطفی و هیجانی، نسبت به شخصی که به طور اصلی، وظیفه نگهداری از وی را برعهده دارد، دل بسته می شود. البته نظریه پردازان دل بستگی، به اتفاق بر این نکته تأکید کرده اند که دل بستگی صرفاً مربوط به دوره کودکی نیست و در همه سنین وجود دارد. بنابراین باید به عنوان سازه ای در گستره حیات، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۹۵).

افرادی چون کرکپاتریک این امر را به حوزه دین کشاند و معتقد است که نکته مشخص جهت کاربرد نظریه دل بستگی در دین، اهمیت، هیجان، محبت و صمیمیتی است که در سیستم اعتقادی دینی دیده می شود که دقیقاً شبیه دل بستگی کودک - مادر است (کرکپاتریک^۲، ۱۹۹۹: ص ۱۶۵). بنابراین، همان گونه که اشاره شد، در دل بستگی، پاسخ گویی منظم به نیازهای مراقبتی فرد، که در زبان حدیث تحت عنوان احسان و انعام آمده است - پیش نیاز اصلی شکل گیری این رابطه است. اما شرط تداوم این رابطه، به تداوم احسان نیست؛ زیرا وقتی این رابطه شکل گرفت، می تواند در شرایط سالم و بهنجار، از رابطه بر اساس احسان نیز فراتر رود (پسندیده، ۱۳۹۰: ص ۳۶).

بر اساس یافته های پژوهش، علاوه بر تفاوتی که در مراتب هر سنخ وجود دارد، بین سنخ ها نیز از جهت اهمیت و ارزش و ثبات تفاوت وجود دارد؛ برخی سنخ انگیزشی حیا محور را برتر از سنخ انگیزشی ترس محور و پاداش محور معرفی کرده اند و بیان می کنند که برتری عامل حیا بر عوامل ترس و پاداش از این جهت است که حیا نه مبتنی بر ترس است و نه مبتنی بر طمع؛ بلکه مبتنی بر احترام به خود یا کرامت انسانی است که بر اساس آن، وقتی فرد خود را در حضور شخصی کریم بیابد، از ارتکاب زشتی ها خودداری و رفتار خود را تنظیم می کند.

برخی از روایات نیز میزان ثبات رفتار را عاملی برای برتری دانسته اند و بیان می کنند که سنخ محبت محور در انجام رفتارهای دینی پایدارتر از سنخ ترس یا پاداش محور است. کسی که اعمال عبادی را با انگیزه ترس یا امید به پاداش انجام می دهد، چنانچه ترس از کیفر یا طمع به پاداش نباشد، رابطه اش قطع و رفتارش تغییر خواهد کرد؛ اما کسی که رابطه اش بر محبت استوار است، از بند ترس و طمع آزاد است و با وجود یا فقدان

۱. وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغِضَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا.

۲. Kirkpatrick, L.



کیفر و پاداش، رفتارش تغییر نخواهد کرد؛ چنانچه این امر در سخنان معصومین مشهود است.^۱ همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان شناخت (معرفت یا علم) را یکی از مهم‌ترین ابعاد یا عوامل در ایجاد رفتار دینی دانست. شناخت نقش مهمی در این الگو داشته و زیرساخت سنخ‌ها را تشکیل می‌دهد؛ یعنی میزان ترس، محبت، حیا، شکر و ... که شخص نسبت به خدا دارد، بی‌تردید وابسته به ماهیت و میزان شناختی است که از خدا دارد. در این مورد، روایات زیادی از معصومین نقل شده است. بندورا فرایندهای شناختی را در تعیین رفتار آدمی، بسیار مهم دانسته و بر اهمیت تأثیر فرایندهای شناختی بر انگیزش، عواطف و رفتار انسان تأکید کرده است. آرژیل با بیان اینکه بیشتر رفتارهایی که در انسان، معطوف به هدف هستند، متضمن اندیشه قبلی بر اهداف‌اند، مکانیزم اصلی و زیربنایی در رفتارها و اعتقادات دینی را سازوکارهای شناختی می‌داند. ازراک نیز در بررسی و توضیح تحول دینی، نشان می‌دهد که تحول دینی بر پایه تحول شناختی، به‌عنوان کسب معرفت‌های دینی بنا می‌شود (پسندیده، ۱۳۹۰: ص ۵۶).

بر اساس روایات، مراتب و درجات شناختن پروردگار متعال متفاوت دانسته شده است و بر حسب شناخت، در درجات گوناگون قرار می‌گیرند. کسی که در تمام حرکات و اعمال خود مراقب و محتاط و خائف بوده و از غضب پروردگار متعال پرهیز و اجتناب می‌کند، در مرتبه اول علم است. کسی که با داشتن صفت خوف و احتیاط، پیوسته به فضل و احسان و نیکویی‌های پروردگار متعال امیدوار است، در مرتبه دوم یقین است. کسی که با رعایت احتیاط و با داشتن امید، محبت و شوق و علاقه پروردگار متعال در دل او جایگزین و ثابت شده است، در مرتبه سوم معرفت است و اگر کسی چیزی از این آثار و علائم را در وجود خود مشاهده نکرد، به طور حتم از معرفت خداوند متعال بیگانه خواهد بود (مصباح الشریعه، ۱۳۶۰: ص ۲۳۶).

۱. أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ عليهم السلام فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْمُحِبُّونَ لِلَّهِ الْمُتَحَابُّونَ فِيهِ وَكُلُّ حَبٍّ مَعْلُولٍ يورثُ فِيهِ عَدَاوَةً إِلَّا هَذَيْنِ وَهُمَا مِنْ عَيْنٍ وَاحِدَةٍ يَزِيدَانِ أَبَدًا وَلَا يَنْقُصَانِ أَبَدًا (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹۴).

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه (للصبحی صالح) (۱۴۱۴ق). قم، هجرت.
صحیفه سجادیه (۱۳۷۶).

۱. احمد بن الحسن طوسی (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
۲. احمد بن محمد مسکویه (۱۴۲۶ق). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الأعراق*، بی جا، طلیعه النور.
۳. اسپیلکا و همکاران، ب (۱۳۹۰). *روان شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، (مترجم، محمد دهقانی) تهران: رشد.
۴. انصاری، محمد علی (۱۳۸۶). *تفسیر سوره حجرات*، مشهد: بیان هدایت نور.
۵. بشیری، ابوالقاسم (تابستان ۱۳۹۳). «نظریه انگیزش در اندیشه دینی»، *روان شناسی دین*، ص ۳۹-۶۰.
۶. پسندیده، عباس (۱۳۹۰). *مثالث ایمان*، قم، دار الحديث.
۷. جعفر بن محمد عنه السلام (۱۳۶۰). *مصباح الشریعه*، مترجم حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۸. چاوشیان، حسن (پاییز و زمستان ۱۳۸۱). «از "طبقه بندی اجتماعی" تا "سبک زندگی" رویکردهای جدید در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، صص ۳-۲۷.
۹. حسن بن علی الامام العسکری (۱۴۰۹ق). *التفسیر المنسوب الی الامام العسکری*، قم، مدرسه الامام المهدی.
۱۰. دونالد والش، ن (۱۳۸۴). *دوستی با خدا: گفتگویی نامتعارف*، ترجمه ف. فرناز، کلک آزادگان.
۱۱. رودگر، محمد جواد (۱۳۸۸). *سیر و سلوک در قرآن*، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. زین الدین بن علی شهید ثانی (۱۳۷۷). *شرح مصباح الشریعه*، مترجم: عبدالرزاق گیلانی، تهران، پیام حق.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۲ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. شتر، عبدالله (۱۳۷۴). *الاخلاق*، مترجم: محمدرضا جباران، قم، هجرت.
۱۵. شجاعی‌زند، علیرضا شجاعی‌زند (بهار ۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دین‌داری»، *مجله جامعه‌شناسی*، ص ۳۴-۶۶.
۱۶. شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۴). *روان شناسی تنظیم رفتار*، قم، دار الحديث.
۱۷. شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۱). انگیزش و هیجان: نظریه‌های روان‌شناختی و دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. سیوطی، عبد الرحمن ابن ابی بکر (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالماثور*، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۹. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*، قم، مکتب آیه الله المرعشی النجفی.

۲۰. آمدی عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۱. علیانسب، سید حسن (۱۳۹۱). خداجویی و نقش آن در نگرش به مرگ، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. غزالی، (بی تا). *پندنامه محمد غزالی به یکی از ملوک*، تهران، مطبعه طهران.
۲۳. فیض کاشانی، (۱۰۹۱ق). راه روشن؛ ترجمه *المحجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، مشهد: آستان قدس رضوی؛ بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریع، قم، موسسه آل البيت.
۲۶. محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
۲۷. ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*، قم، دار سید الشهداء.
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۳). *اصول کافی*، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۳۷۶). *کتاب الطهاره*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، انصاریان.
۳۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶). *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۲. مظاهری، محمد علی. (۱۳۷۷). *الگوی دلبستگی نوزادان ایرانی*. مجله روانشناسی، ص. ۲۹۱ - ۳۱۵.
۳۳. نوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل* (جلد ۲۸). قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۴. وولف، دیوید (۱۳۸۶). *روان شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.

۳۵. kirkpatric, L. (۱۹۹۹). Attachment and religipus representatons and behavior. scientific study of religion, pp. ۳۱۵ - ۳۳۴.
۳۶. Gordon, w. (۱۹۵۰). The individual and his religion. New york: the wacmillan company
۳۷. McGuire, M. (۱۹۹۷). Religion: the soial context. Wadsworth: publishing compan

